

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی سال ششم - ویژه نامه نوروز 1405 - شماره 25 - ص 151-165 تبیین تفاوت‌های زن و مرد از دیدگاه نهج البلاغه

پریسا غفاری¹

چکیده

مسئله زن در طول تاریخ بشری همواره از جمله مهمترین مسائل بوده است. زن در اسلام همچون مرد دارای جایگاه یکسانی میباشد مگر در میزان تقوای؛ که مالک ارزش و برتری همگان است یکی از منابعی که از دیرباز در مباحث انتقادی درباره جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی مورد استفاده قرار گرفته، کلام امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه است. در نهج البلاغه مطالب بسیار در خصوص زنان بیان شده است از جمله بیان تفاوت‌های زن و مردان که در خطبه 80 نهج البلاغه نیز به چشم می‌خورد. در این خطبه زنان دارای کاستی‌های فراوان هستند حال آنکه با نگرشی دقیق و عالمانه در این مطلب و آیات قرآن به مفهوم واقعی آن خواهیم رسید. این مقاله، با روش توصیفی و کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این سؤال است که زن در سیره امیرالمؤمنین (ع)، چه تفاوت‌هایی با مردان دارد. عده‌ای، با تأکید بر منزلت و کرامت والای زن، کلام حضرت را منافی با منزلت و جایگاه حقیقی اش پنداشته‌اند. و برخی، با تمسک به ظاهر کلام حضرت در خطبه‌های 79 و 80 در خصوص نقص عقل، نقص ایمان و نقص سرمایه، و همچنین منع مشورت با زنان، کمال‌پذیری زن و وجود ارزش‌های والای انسانی او را انکار کرده و او را موجودی بی‌ارزش می‌دانند. تحلیل جایگاه زن در نهج البلاغه و سیره حضرت، ثابت می‌کند که ایشان با وجود سنت جاهلیت، به شخصیت و مقام زن احترام بسیار گذاشته و او را مظهر جمال و عطوفت الهی معرفی کرده‌اند در کلامی دیگر، زن را امانت الهی دانسته که ارزشمند و قابل احترام است و باید آنچنان که شایسته امانت‌گذاری است، از او محافظت و نگهداری شود.

واژگان کلیدی: زن، مرد، تفاوت، امام علی (ع)، عقل

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

در طول تاریخ بشری همواره گفتگوها و بحث‌های فراوانی درباره شخصیت و وظایف و حقوق زنان شده است با اینکه در تکریم خداوند از انسان، زن و مرد فرقی ندارد و جز در عرصه سپردن مسئولیت‌ها، آنجا که ویژگی‌های ذاتی هر کدام اقتضاء می‌کند، تفاوتی میان آن دو نیست، ولی عده‌ای به نام دین زن را از جایگاه اصلی خود پایین آوردند و ادعای عدم برابری جنس مؤنث و مذکر در عرصه‌های مختلف را بیان کرده‌اند.

یکی از منابعی که از دیر باز در مباحث اخلاقی درباره جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی به آن استناد شده است کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌باشد دسته‌ای با تمسک به ظاهر کلام حضرت کمال‌پذیری زن و وجود ارزش‌های والای انسانی او را انکار کرده و آن را موجودی پست پنداشته‌اند گروهی دیگر با تأکید بر کرامت و منزلت زن کلام حضرت را منافی با مقام و جایگاه حقیقی زن انگاشته‌اند.

اسلام برترین و بهترین ارزش را به زن داده است و شخصیت زن و مرد انسانیت آنهاست نه در زن یا مرد بودن آنها و همچنین اسلام به خاطر مصالح فرد و جامعه و مسائل تکوینی و به خاطر اینکه تمام مسائل و مصالح را بهتر تشخیص می‌دهد در برخی از موارد تکالیف و حقوق خاصی را به زن یا مرد داده است، و دیدگاه حضرت علی علیه السلام نیز عین دیدگاه اسلام و قرآن می‌باشد و کلمات و فرمایشات حضرت به تفسیر و تبیین دقیق نیازمند است که با دستیابی به تفسیر دقیق و روشن فرمایشات حضرت عقاید افراطی و انحرافات جامعه از بین می‌رود و جامعه و افراد می‌توانند با درک صحیح دیدگاه امیرالمؤمنین و اسلام که انسان را از لحاظ روحی و مادی مورد توجه قرار داده‌اند فرهنگ اصیل خود را حفظ کنند.

کتابهایی که در زمینه نهج البلاغه نوشته شده‌اند همان تفاسیر نهج البلاغه می‌باشد ولی اینکه کتابهایی باشند که فقط به این موضوع یعنی تفاوت‌های زن در نهج البلاغه خیلی انگشت شمار می‌باشد

1- تفاوت نه تبعیض

آنچه در خلقت وجود دارد «تفاوت» است نه «تبعیض» «تبعیض» آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های هم‌سان، بین اشیاء فرق گذاشته شود، ولی «تفاوت» آن است که در شرایط نامساوی فرق گذاشته شود. به عبارت دیگر تبعیض از ناحیه دهنده است و تفاوت مربوط به گیرنده به عنوان مثال اگر یک معلم به دانش‌آموزانی که همه در یک درجه هستند و کار آنها یکسان است نمره‌های مختلفی بدهد، این تبعیض است؛ ولی اگر معلم، همه را به یک دید بنگرد و همه را یک جور تعلیم دهد و یک جور امتحان کند و سؤالات امتحانی که طرح می‌

کند برای همه یکسان باشد، آنگاه برخی از شاگردان او را به خاطر کودنی و کم‌هوشی یا به خاطر ساعی نبودن از عهده امتحان به خوبی یا اصلاً برنیابند و برخی دیگر از شاگردان به علت استعداد قوی و کار خوب سؤالات امتحانی را کاملاً جواب بدهند، و معلم به هر کدام آنها بر طبق جوابهای امتحانی نمره بدهد. در واقع اینجا تفاوت رخ داده نه تبعیض. عدالت این نیست که معلم همه نمره‌ها را جمع کند و بعد بین همه دانش‌آموزان به طور مساوی قسمت کند؛ عدالت این است که به هر کدام آنچه را که استحقاق دارد بدهد در اینگونه موارد فرق گذاشتن عین عدالت و مساوات است و فرق نگذاشتن عین تبعیض و ظلم.

2- تفاوت‌های زن و مرد

ما بر این باوریم که صرف نظر از تفاوت‌هایی که اصولاً خواستگاه اجتماعی دارند، تفاوت‌های طبیعی در جسمیت، ذهنیت، احساسات و رفتارها نیز زن و مرد را از هم متمایز می‌سازد و در واقع وقتی که از تفاوت‌های طبیعی زن و مرد سخن می‌گوییم به ویژگی‌هایی نظر داریم که دست‌تکوین در نهاد زن یا مرد نهاده است و غالب افراد از این دو جنس چنین صفتی را دارا هستند پس وجود افراد نادر و استثنائی که از این ویژگی‌ها را ندارند به طبیعی بودن ویژگی‌ها لطمه نمی‌زند به عنوان مثال، از ویژگی زن قدرت باروری و حمایت غذایی از فرزندان است و وجود زنان عقیم و فاقد شیر دلیل بر زنانه نبودن این صفات نیست. در این خصوص توجه به چند نکته ضروری است:

1- گاه از تفاوت‌ها به «نقص» و «کمال» تعبیر می‌شود چنین تعبیری معمولاً سبب سوء برداشت شده و نقص در استعدادها را با نقص و عیب در کمال و تعالی اشتباه می‌گیرند و یکسره بر وجود تفاوت‌ها انگشت‌تردید گذاشته ساحت خداوند را از آفرینش موجودی معیوب ناقص می‌دانند.

جهان‌تکوین‌آکنده از تفاوت و اختلاف در توانایی‌هاست اما هیچ‌کس چنین اختلافاتی را به خودی‌خود نشانه عیب و کمال نمی‌داند. برای مثال، قدرت بینایی انسان بسیار کمتر از کرکس و قدرت شنوایی و بویایی انسان ضعیف‌تر از سگ است اما نقص استعدادی انسان در امور یاد شده به معنای کمبود در کمال انسانی نیست چه بسا برخورداری از سان از چنین قدرتهایی نه تنها به منفعت وی نباشد بلکه مخاطراتی به همراه داشته باشد پس هر موجود به حسب کارکرد خاصی که دارد، مجهز به یک نوع ساختار طبیعی و تکوینی است و این ساختارها تنها در راستای همان کارکردها معنا و مفهوم می‌یابد بنابراین اگر واژه نقص و کمال مفهوم ارزشی نداشته باشد و تنها به ویژگی‌های طبیعی اشاره کند، چنین معنایی از نقص و کمال را در مقایسه زن با مرد می‌توان بکار برد مثلاً می‌توان گفت قدرت عاطفه و احساسات زن غالباً قوی‌تر و احساسات مرد ناقص‌تر است، چنانکه قدرت تدبیر و خطرپذیری مرد به حسب غالب

کامل تر است و توان زن در این مورد ناقص تر است در قرآن کریم از این گونه نقص و کمال ها به «درجه» و «فضل» تعبیر شده است.¹

2- خلقت حکیمانه و هدفمند است به اعتقاد ما در متن تکوینی ابزار طبیعی لازم به منظور دست یابی به هدف غایی در دسترس زن و مرد، هر دو قرار گرفته است از سوی دیگر تشریح یعنی مجموعه معارف و مقررات الهی چراغ راهنمایی است که راه به کارگیری استعدادها و استعدادهای طبیعی، برای نیل به مقصود را در پیش روی انسان می‌نهد بنابراین چون تکوین بستر تشریح است و تکوین و تشریح هر دو در راستای حرکت به سمت یک هدف به وجود آمده اند به ناچار با یکدیگر متناسب و هم جهت اند.²

حال سخن این است که محدوده تفاوت‌های زن و مرد چیست؟ آیا تفاوت‌ها تنها در محدوده ویژگی‌های جسمی و فیزیولوژیک است یا آنکه پهنه وسیع تری را شامل می‌شود! برخی از قسمت‌ها (رادیکال) بر این باورند که تفاوتی میان زن و مرد غیر از تفاوت‌های فیزیولوژیکی که زن و مرد را از نظر زیست‌شناختی از هم متمایز می‌کند وجود ندارد و تفاوت‌های ذهنی روحی و اختلاف در نگرش‌ها و استعدادها تماماً محصول روابط اجتماعی و تاریخی است. و در واقع هیچ انسان زن یا مرد متولد نمی‌شود بلکه هویت زنانه یا مردانه را در طول حیات خود کسب می‌کند از آثار همین تفکرات که زنان می‌خواهند به مرد شبیه شوند و در رسانه‌های ما نیز اگر فعالیت‌های زنان به تصویر کشیده میشوند³ در این راستا است.

الف) تفاوت‌های جسمی

مرد به طور متوسط درشت اندام تر است وزن کوچک اندام تر. مرد بلندتر و زن کوتاه تر است. مردخشن تر وزن ظریف تر است، صدای مرد کلفت تر و خشن تر است ولی صدای زن نازکتر و لطیف است. مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماری‌ها از مقاومت مرد بیشتر است و به همین خاطر زنان عمر طولانی تری نسبت به مردان دارند، ضمن اینکه بیشتر از مردان بیمار می‌شوند. ریه مرد قادر به تنفس هوای بیشتری از ریه زن است. رشد بدنی زن سریعتر است و رشد بدنی مرد بطی‌تر.

حتی گفته میشود جنین دختر از جنین پسر سریعتر رشد می‌کند. رشد عضلانی مرد و نیروی بدنی او از زن بیشتر است. استخوان بندی در مردان محکم تر از زنان می‌باشد هر چند

1 - سوره زخرف، آیه 32 سوره بقره آیه 228 سوره نساء آیه 34.

2 - محمدرضا زیبایی نژاد، محمد تقی سبحانی درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام ص 64 و 65.

3- عقاید و دیدگاه‌های این گروه از فمینیست‌ها در کتاب درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص

که استخوان بندی دختران در دوره جنسی و حتی بعد از آن رشد یافته تراز پسران می باشد اما استحکام کمتری دارد.¹

ح - حضرت علی علیه السلام نیز با توجه به این ویژگی زنان خطاب به پیروان خود در قالب نامه ای به امام ح - سن علیه السلام تو صیه می فرماید که به زنان بیش از توان آنها بارهای سنگین حمل نکنید که آنها موجوداتی لطیف بوده و محتاج به مراقبت هستند.²

ب) تفاوت‌های روانی

برخی تمایزات زن و مرد را چنین می توانیم برشماریم:

از جهت شخصیتی زنان از مردان ح - سودتر و کنجکاوترند ، اعتماد به نفس کمتری دارند، اما پرخاشگری در مردان بیشتر از زنان است، مردها بیشتر به جنبه های سیاسی و نظری علاقه دارند و زن ها بیشتر به مسائل اخلاقی تمایل نشان می دهند. زن از مرد عاطفی تر است و به روابط عاطفی علاقه بیشتری نشان می دهد، جنس زن هیجانی تر از مرد است و کیفیت هیجان او نیز با مرد فرق می کند . احساسات زن از مرد جوشانتر است ولی احساسات زن بی ثبات تر از مرد است. زن طبعاً به زینت و زیور و جمال و آرایش و مدهای مختلف علاقه زیاد دارد برخلاف مرد، زن در علوم استدلالی و مسائل خشک عقلانی به پای مرد نمی رسد. ولی در ادبیات نقاشی و سایر مسائل که با ذوق و احساسات مربوط است دست کمی از مرد ندارد.³

چنین ویژگی را علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در ذیل آیه 34 سوره نساء «الرجل قوامون علی النساء بما فضل الله» بیان کرده اند که مراد از « ما فضل الله » آن فزونی و امتیازی است که بالطبع مردان بر زنان دارند ، یعنی زیادتی قوه تعقل و فروع آن. مانند تحمل شدائد و کارهای سخت و سنگین و ... زیرا زندگانی زنان زندگانی احساسی و عاطفی است و بر نازک دلی و ظرافت مبتنی می باشد.⁴

مهمترین خصوصیت روحی زن که تمام خصوصیات فرعی اش بر آن استوار می باشد « دگر خواهی » است.⁵ اگر با غیر مسلمان ازدواج کنند دین و ملیت خود را به آسانی تغییر می دهند و شاید رمز جایز نبودن ازدواج زن با مرد غیر مسلمان و غیر شیعه همین باشد ولی مردان

1 - مرتضی، مطهری، همان ص 26، و مریم معین الاسلام، ناهید طیبی، همان ص 68-70.

2 - محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه خطبه 118/31.

3 - مجموعه مقالات هم اندیشی 2 بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت ها و رویکردها ص 988.

1 - محمد حسین طباطبایی تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ج 4، ص 507.

5 - حسین نوری، همدانی، جایگاه بانوان در اسلام ص 348.

خواهان این هستند که زن را به دین خویش درآورند.^۱ حضرت علی علیه السلام در این زمینه هم سخن زیبایی دارند که می فرماید: زنان آرمانشان مردان هستند.^۲

ج (تفاوت‌های عقلی

1. معنای لغوی عقل:

عقل در لغت به معنی بستن و حبس کردن و از عقل البعیر به معنای بستن شتر گرفته شده است و ریسمانی را هم که با آن زانوان شتر را می بندند تا قدرت فرار نداشته باشد عقال می گویند عقل هم چیزی است که شخص را با شدت می بندد تا او هوای نفس خود را متابعت نکند و به اعمال ناپسند دست نزند و با این تعریف عاقل کسی است که خود را از پیروی هوا و ارتکاب خطا باز می دارد.^۳

2. معنای اصطلاحی عقل

1 - عقل در اصطلاح، مبدا ادراک و تفکر انسان است یعنی عقل آن مبدای است که ادراک و تفکر انسان از آن می جوشد و باعث کسب علم می شود.^۴
لذا عقل تنها به علم محدود نمی شود، بلکه انگیزه ای است برای انجام عملی که به مقتضای علم صورت می گیرد. پس اگر موردی خیر دانسته شود صاحب عقل برای انجام آن برانگیخته می شود و هرگاه بدانسته شد صاحب عقل از آن نهی می گردد.^۵
2 - عقل و تعقل عبارت است از آن فعالیت مغزی که با قوانین و اصول تثبیت شده از قضایای روشن و ساده نتایج مطلوب را به دست آورده و فعالیت عقلانی عبارت است از دقیق اندیشیدن در انتخاب وسایل برای وصول به هدفهای مطلوب.^۶

3. معنای عقل در فرهنگ قرآن

عقل را قرآن کریم و همچنین روایات معصومین علیهم السلام به چیزی تفسیر کرده اند که انسان به وسیله آن حق را فهمیده و به آن عمل کند. پس در فرهنگ دین مجموعه درک و کار را عقل می گویند آن که درست درک نمی کند عاقل نیست، و کسی که درک می کند و عالم است ولی به عملش عمل نمی کند او هم عاقل نیست. مجموعه این دو فضیلت که آیات به

6 - مریم معین الاسلام ، ناهید طیبی همان ، ص 41.

7 - محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی ج 5 ص 81.

8 - فرهنگ جدید عربی - فارسی ، ترجمه : منجد الطلاب بندریگی ، ص 1424.

1 - راغب اصفهانی مفردات راغب ص 341.

2 - فاطمه علایی رحمانی ، زن از دیدگاه نهج البلاغه ص 94.

3 - محمد تقی جعفری ، زن از دیدگاه امام علی(ع) (در تکاپوی معرفت) تلخیص : محمدرضا جوادی ص 91.

صورت عقل تبیین شده در حدیث به صورت « العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان »^۱ بازگو شده است یعنی کسی که نداند نمی تواند بهشت را کسب کند و کسی هم که بداند ولی عمل نکند نمی تواند بهشت را فراهم نماید.^۲

4. عقل از دیدگاه قرآن

در قرآن آمده است که اگر کسی فاقد عقل باشد تکلیف از او ساقط می شود و نیز در قرآن از کفار به جهت آنکه فاقد عقلند مزمت شده است مانند قول خدای متعال که فرمود:

- 1 - « و تلك الامثال نضربها للناس و ما يعقلها الا العالمون : و ما این مثالها را برای مردم می زنیم و به جز عالمان کسی آنها را درک نمی کند.^۶ »
و نیز در جای دیگر خداوند متعال فرمود:
- 2 - « ان شرَّ الدوابِّ عندالله الصَّمُّ البکم الذین لایعقلون : به راستی که بدترین جنبندگان در نزد خداوند کران و گنگان هستند که تعقل ندارند.^۱ »
و اینکه کفران در آیاتی از قرآن سرزنش می شوند به این دلیل است که آنان عقل دارند، ولی از آن استفاده نمی کنند.
خداوند متعال می فرماید:

- 3 - « ام تحسب ان اکثر هم یسمعون او یعقلون ان هم الاکالأنعام بل هم اضلُّ سبیلاً : آیا پنداری که بیشترشان می شنوند یا می فهمند اما آنها جز مانند حیوانات نیستند بلکه روش آنها گمراهانه تر است.^۲ »

5. عقل از دیدگاه احادیث

عقل محوری است که همه مدار برآن است و سود و زیان و ثواب و کیفر متوجه او است چنانکه از جمیع روایات استفاده می شود مراد از عقل همان قوه تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده او از شر و فساد می باشد.
به چند نمونه از روایات در باب عقل توجه کنید:

1- عن ابی جعفر(ع):

4 - محمد بن یعقوب کلینی، همان ج 1 کتاب عقل و جهل ص 11 و 12، و عباس قمی سفینه البحار ج 6 ص 328 و محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی ج 7 ص 2710.

5 - عبدالله جوادی آملی همان ص 258.

6- سوره عنکبوت آیه 43

1- سوره انفال آیه 22

2- سوره عنکبوت آیه 43

قال : لما خلق الله العقل ا ستنطقه ثم قال له: أقبل ، فأقبل ، ثم قال له: أدبر فأدبر ثم قال: و عزّتی و جلالی ما خلقتُ خلقاً هواحبّ الیّ منک و لما أكملتُک الایمن احبّ إلیّ ایاک أمر و ایاک انهی و ایاک اعاقب و ایاک ائیب امام باقر می فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده به او گفت : پیش آی ، پیش آمد، گفت: بازگرد، بازگشت فرمود به عزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو به پیش من محبوب تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم، همانا امر و نهی و کیفر و پاداشم متوجه اوست.²

2- رسول الله (صلى الله عليه واله و سلم)

« ما فِ سَمِّ الله للعباد شیئاً اف ضل من العقل : خداوند بهتر از عقل چیزی را میان بندگان تقسیم نکرده است .³ »

3- عن ابی جعفر علیه السلام

« انما یداق الله العباد فی الحساب یوم القیامه علی قدر ما اتاهم من العقول : همانا حسابگری و باریک بینی و دقت در رسیدگی به کار بندگان به میزان عقل آنان است.⁴ »

6. عقل در کلام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

« کفاک من عقلک ما اوضح لک سبیل غیّک من رشّدک : در ارزش و عظمت عقل تو بس است که راه ضلالت تو را از صراط نجات ، تمییز می دهد (زیرا این سود همه سودها را دربر دارد .)¹ »

قال علی (ع):

« العقل عقلان، عقل الطّبع و عقل التجربة و کلاهما یؤدی الی المنفعه : عقل بر دو نوع است یکی طبیعی و دیگری تجربی و نتیجه این دو عقل به سود آدمیان است.² »

قال علی (ع):

« کیفیه الفعل تدلّ علی کمیته العقل : کیفیت کار بر کمیت عقل دلالت دارد.³ »

2 - محمد بن یعقوب کلینی همان ج 1 ص 10 و محمد محمدی ری شهری ، همان ، ج 7 ص 2692.

3- همان ص 13 و همان ص 2691.

4- همان ، ص 11 و محمد حسین طباطبایی بدایه الحکمه ص 12.

1 - نهج البلاغه حکمت 421 و عبدالواحد آمری ، غررالحکم و دررالکلم فصل 65 ص 560 و محمد محمدی ری شهری همان ص 2697 و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید تحقیق : محمد ابوالفضل ابراهیم ج 20 ص 65 و فیض الاسلام ترجمه و شرح نهج البلاغه ص 1284.

2- محمد باقر مجلسی بحارالانوار ج 17 ص 116.

3- عبدالواحد آمری همان ص 7226.

قال علی (ع):

«العقل حفظ التجارب : عقل حفظ تجریبات است.»⁴

7. نقصان عقل زن از دیدگاه احادیث

در برخی از منابع اسلامی، احادیثی یافت می‌شود که به ظاهر سخن از نقصان عقلی زنان به میان آمده است.

در میان احادیث، سخن امام علی علیه السلام در نهج البلاغه معروف تر از روایات دیگر است که فرموده اند: «اما نقصان عقولهن فشهاده امراتین منهن کشهاده الرجل الواحد»¹ علامه خوئی در کتاب منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه پس از اینکه علت نقصان عقل زن را تساوی شهادت دو زن برابر یک مرد ذکر می‌کند، بدون اینکه توضیحی در این رابطه بدهد تنها به روایاتی در این زمینه اشاره می‌کند از جمله اینکه:

در وسائل از تفسیر امام حسن عسگری علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه: «فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان» وارد شده است که: شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است پس اگر دو مرد با یک مرد و دو زن، شهادت دادند، شهادت آنها صحیح است. همچنین در وسائل از محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی نقل شده است که:

رسول خدا به گروهی از زنان رسید، پس ایستاد و گفت: ای گروه زنان من بیشتر شما را اهل جهنم و عذاب آن دیدم پس تا جایی که می‌توانید خود را به خدا نزدیک کنید. یکی از زنان گفت: یا رسول الله، نقصان دین و نقصان عقول ما در چیست؟ فرمودند نقصان دین شما در بازماندن از نماز و روزه در ایام حیض است و نقصان عقولتان در آن است که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است.²

شبهه این روایات در بحارالانوار نیز آمده است:

«قال رسول الله صلی الله علیه و ال و سلم : یا ایتهما المراه لما نكن فاق صات الدین و

العقل.»³

قال علی (ع): «النساء النواقص العقول و الحظوظ علی کل حال.»⁴

3- فلسفه تفاوتها

4- محمد محمدی ری شهری همان ص 2704.

5- نهج البلاغه خطبه 80.

1- میرزا حبیب الله هاشمی خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه ج 5 ص 304 و 305.

2- محمد باقر مجلسی. همان ج 103 ص 259.

3- همان ج 38 ص 179.

چنانکه ملاحظه شد، تفاوت‌های زن و مرد بر مبنای حقایق علمی و تجربی بیان شده است، اما این تفاوت‌ها به هیچ وجه به اینکه مرد یا زن جنس برتر است و دیگری جنس پایین و پست تر و ناقص تر مربوط نیست؛ قانون خلقت از این تفاوت‌ها، منظور دیگری داشته است. قانون خلقت این تفاوت‌ها را برای این بوجود آورده است، که پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم تر کند و شالوده وحدت آنها را بهتر بریزد.

زن و مرد از نظر ساختار روانی و جسمی تام و کامل آفریده شده اند، اما در مقایسه با یکدیگر، هر کدام دارای ویژگی‌های هستند که دیگری در پاره‌ای از آنها ضعیف تر است و برخی دیگر را هم به کلی ندارد. این امر ضمن آن که، وظایف آنان را در زندگی روشن می‌سازد سبب می‌شود که هر کدام از مرد و زن به یکدیگر احساس نیاز نموده و زمینه جذب به سوی هم و تشکیل خانواده فراهم گردد.

از همین رو اگر هر کدام از زن و شوهر رفتار اعمال خود را در زندگی بر اساس ساختار وجودی، ویژگی‌های و وظایف تکوینی (خلقت) و تشریحی (دستورات الهی و دینی) خویش تنظیم نمایند و جایگاه و منزلت خود را شناخته و از آن تجاوز نکنند. زندگی آنان سرشار از صلح و صفا و همسر دوستی خواهد بود. بر این اساس خداوند حکیم زن را به جاذبه‌ها و ویژگی‌های خاصی مجهز نمود که از یک سو مرد خود را نیازمند به آنها دیده و به سمت زن گرایش می‌یابد و از سوی دیگر زن در پرتو آن خصوصیت‌ها نزد همسر خود از محبوبیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شود. پس تنها راه استحکام و افزایش محبوب و معشوق بودن زن نزد همسر آن است که اعمال، رفتار و گفتارش هماهنگ با فطرت طبیعت و ساختمان وجودیش باشد و به کج راه و انحراف کشیده نشود و کارآیی آن محبوبیت تکوینی و ابزارهای خدادادی که به منظور نفوذ معنوی در قلب همسر و جذب او به طرف خویش، به زن عطا شده، از بین نبرد، بلکه در تقویت و استمرار آن‌ها بکوشد.¹

در واقع یکی از نشانه‌های عظمت خداوند همین تقسیم دقیق ذوقها و استعدادها است که روی هم رفته یک مجموعه متعادل و متوازن را تشکیل می‌دهد که در آن هر چیزی به جای خویش نکوست. انسانها همانند ظروف هم‌شکلی نیستند که در یک کارخانه ساخته می‌شود و همه یک نوع فایده دارند که اگر چنین بود حتی یک روز هم نمی‌توانستند با هم زندگی کنند. آنچه در زندگی انسانها و تمام جهان آفرینش مهم است عدالت است. نه مساوات، و قرار دادن هر چیزی در جای خویش است نه همسانی و همگونی.²

1 - محمد رضا، کوهی، آسیب شناسی شخصیت زن با تأکید بر لاقیدی و بد حجابی، ص 215.

2 - ناصر، مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 4، 454.

آنچه که قرآن کریم راجع به تفاوت موجودات بیان شده است این است که: اولاً زندگی باید به وجه احسن اداره شود و ثانیاً: تا تسخیر متقابل بین موجودات محقق نگردد و هماهنگی بین آحاد و طبقات متفاوت ایجاد نگردد نظام به وجه احسن اداره نمی شود. در سوره زخرف فرمود:

« لیتخذ بعضهم بعضاً سخریاً » (زخرف : 32)

ما مردم را با استعداد‌های مختلف و شرایط گوناگون آفریدیم و اگر همه در یک سطح از استعداد و یک سطح از قدرت بودند نظام هستی متلاشی می شود چون کارها گوناگون است و کارهای گوناگون را باید استعداد‌های گوناگون برعهده بگیرند.

سخریاً از ماده تسخیر است و مفهوم آیه این است که تفاوت درجات مردم سبب می شود که بعضی مسخر دیگری باشند و یا به تعبیر دیگر با هم تعاون متقابل کنند. بیمار مسخر طیب است و طیب در نیازهای خود مسخر معمار و یا کشاورز و تاجر است. چرا که هر کدام بر دیگری از جهتی برتری دارند، و همین ها سبب خدمات متقابل یا به تعبیر قرآنی تسخیر می شوند.¹

غالب مفسران اسلامی آیه را همین گونه تفسیر کرده اند که سخریاً در اینجا به معنی مسخر بودن در خدمات است.²

لذا باید تفاوت باشد همان طوری که اختلاف طبقات، استعدادها، گرایش ها و ... هیچ کدام معیار فضیلت نیستند بلکه همه به عنوان ابزار کار، لازم است تا تسخیر متقابل و دو جانبه محقق بشود؛ اختلاف زن و مرد هم این چنین است یعنی اگر کسی استعداد برتری دارد این استعداد برتر، نشانه فضیلت معنوی و تقرب الی الله نیست. اگر بتواند از این استعداد برتر فایده بهتر ببرد و خالصانه تر کار کند و به مرتبه بالاتری از تقوا می رسد، و از این جهت به کمال محض نزدیک خواهد شد. ولی اگر از این استعداد به خدای سبحان تقرب نجست چه بسا این استعداد زائد، برای او وبال باشد.³

در اینجا سوالی مطرح است که اگر مقام انسانیت و خلیفه الهی، منزله از ذکوریت و انوثیت است، پس چرا مردان زیادی به این مقام راه یافته اند؛ ولی از زنان فقط چند نفر به این مقام رسیده اند.

3 - همان.

4 - فضل بن حسن، طبرسی، همان، ج 9، ص 46، محمد حسین طباطبائی، همان، ج 18، ص 157.

1 - عبد الله، جوادی آملی، همان ص 389.

جواب این است که اولاً: این چند نفر بیانگر اعضاء نیست و بسیاری از زنان هستند که فضایل آنها در تاریخ ثبت نشده است.
ثانیاً: اگر جامعه رشد بیشتری داشته باشد، سعی می‌کند امکانات ترقی و سعادت را در اختیار هر دو صنف قرار دهد و این تحجر جامعه را نباید به پای مذهب گذاشت.^۱

نتیجه‌گیری

بررسی تحلیلی متون قرآنی، روایات معصومان علیهم‌السلام و به‌ویژه بیانات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که تفاوت‌های مطرح شده میان زن و مرد، نه از سنخ تبعیض ارزشی، بلکه مبتنی بر تفاوت‌های تکوینی، کارکردی و نقش‌محور در نظام حکیمانه خلقت است. اسلام، شخصیت و کرامت انسان را بر پایه انسانیت و قابلیت تعقل، ایمان و عمل صالح تعریف می‌کند و جنسیت را معیار برتری یا نقص ذاتی نمی‌داند. بر این اساس، زن و مرد در گوهر انسانی و امکان نیل به کمال معنوی برابرند و تفاوت‌ها تنها در عرصه مسئولیت‌ها و وظایف، آنجا که ویژگی‌های طبیعی اقتضا می‌کند، معنا می‌یابد.

تحلیل مفهوم «عقل» در لغت، اصطلاح، فرهنگ قرآنی و روایات نشان داد که عقل در منطق دین، صرفاً توان ادراکی نظری نیست، بلکه مجموعه‌ای از فهم حق و التزام عملی به آن است. از این منظر، تعبیری چون «نقصان عقل» در برخی روایات، از جمله کلام امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، ناظر به حوزه‌های خاص کارکردی - همچون شهادت در برخی موارد حقوقی - و شرایط اجتماعی معین است و دلالتی بر نقص ذاتی یا کاستی در کرامت انسانی زن ندارد. فهم این تعبیر بدون توجه به سیاق، تعریف جامع عقل و نظام هماهنگ تکوین و تشریح زمینه‌ساز سوءبرداشت‌های افراطی و تحریف جایگاه واقعی زن در نگرش دینی شده است. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که فلاسفه تفاوت‌های زن و مرد، تقویت پیوند خانوادگی، تحقق تکامل متقابل و استقرار عدالت در جامعه انسانی است، نه برتری جویی جنسیتی. بازخوانی سیاق‌محور و عقلانی نهج‌البلاغه، در پرتو قرآن و سنت معتبر، می‌تواند به رفع شبهات تاریخی، اصلاح نگرش‌های نادرست فرهنگی و احیای فهم اصیل اسلامی از هویت زن و مرد بینجامد و زمینه حفظ تعادل، کرامت انسانی و کارآمدی نظام خانواده و جامعه را فراهم سازد.

منابع

*قرآن کریم

- 1 - آمدی ، عبدالواحد، غررالحکم و درالکلم ، مجموعه کلمات قصار حضرت علی (ع)، ترجمه محمد علی انصاری قمی جلد 2 و 1..
- 2 - اصفهانی ، راغب ، معجم مفردات الفاظ القرآن ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات مرتضوی ، 1375 .
- 3 - جعفری ، محمد تقی ، تفسیر نهج البلاغه ، چاپ پنجم . دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، 1381 بی جا
- 4 - جعفری محمد تقی، زن از دیدگاه امام علی (ع) ، (در تکاپوی معرفت 11) گرد آوری و تخلص : محمد رضا جوادی ، چاپ پنجم.
- 5 - جوادی آملی ، عبد الله، زن در آینه جلال و جمال ، تنظیم : محمود لطیفی، چاپ هفتم، قم، مرکز نشر اسراء 1382
- 6 - جوادی عاملی ، عبدالله ، تفسیر موضوعی قرآن کریم جلد (صورت و سیرت انسان در قرآن)، قم مرکز نشر اسراء 1381
- 7- دبیر خانه هم اندیشی،مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت ها و رویکردها جلد 2، چاپ اول قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان 1380 .
- 8 - دشتی محمد ، نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه زهرا (س)) چاپ اول، بی جا ، انتشارات مشهور 1380.
- 9- دشتی ، محمد ، ترجمه نهج البلاغه ، چاپ هشتم ، قم نشر مشرقین، 1379
- 10 - زیبایی نژاد ، محمد رضا، محمد تقی سبحانی، در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه ای دیدگاه اسلام و غرب) چاپ چهارم ، قم دفتر مطالعات تحقیقات زنان 1383
- 11 - طباطبائی ، محمد حسین، تفسیر المیزان ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم ، چاپ گلشن 1363
- 12- معین الاسلام ، مریم ، طیبی ناهید ، روان شناسی زن در نهج البلاغه قم، انتشارات بینش . 1381
- 13- علایی رحمانی، فاطمه ، زن از دیدگاه نهج البلاغه ، قم سازمان تبلیغات اسلامی 1371
- 14 - کلینی، محمد بن یعقوب، کافی ، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بی تا.

- 15 - کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت زن با تأکید بر لاقیدی و بد حجابی، چاپ اول. کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم شماره 22 زمستان 1382.
- 16- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دار الاحیاء التراث العربی بیروت 1403 ه. ق
- 17- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمة، ترجمه: حمید رضا شیخی، تلخیص: سید محمد حسینی، چاپ سوم قم، دارالحديث، 1381
- 18- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ 34، تهران انتشارات صدرا 1382.
- 19- مکارم شیرازی - ناصر، پیام قرآن جلد(4)، چاپ پنجم، تهران دار الکتب اسلامیة 1377.
- 20- نوری همدانی، حسین، جایگاه بانوان در اسلام، چاپ دوم، انتشارات مهدی موعود 1383
- 21- میرزا حبیب الله هاشمی خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه ج 5 ص 304 و 305.